

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال دوازدهم - شماره چهارم - زمستان ۱۴۰۱ - شماره پيوسته ۳۸

بررسی تطبیقی اشعار عاشورایی الهامی کرمانشاهی و عباسقلی یحیوی از بُعد

حماسی (ص ۸۷-۱۱۲)

غلامرضا ضیایی نیری^۱، خدابخش اسداللهی^۲ (نویسنده مسئول)، خلیل حدیدی^۳



20.1001.1.2345217.1401.12.4.4.0

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۱

چکیده

حادثه عظیم عاشورا مملو از پایمردی‌ها و حماسه‌هایی است که امام حسین (ع) و اصحاب بزرگوار آن حضرت، قهرمان آن بودند؛ لذا این بعد (حماسه) از ابعاد آن حادثه جاوید، بیشتر از سایر ابعاد جلوه کرده و از برجستگی و ویژه‌ای برخوردار است. هدف از مقاله حاضر، تطبیق زمینه‌های حماسی - آیینی اشعار عاشورایی در آثار الهامی کرمانشاهی و عباسقلی یحیوی اردبیلی - دو شاعر شیعی پارسی‌گوی و ترکی‌سرای - است. فرضیه پژوهش این است که اشعار عاشورایی الهامی و یحیوی، متضمن افکار بلند حماسی، دینی و تعلیمی است که با روایت‌های خاص آن دو و با زبانی هنری و ادبی به زیور شعر آراسته شده است و به انعکاس ارزش‌های آیینی (دینی) و حماسی عاشورا از قبیل پایمردی، ایثار، نثار، مقاومت، مبارزه و ایستادگی در برابر بیدادگری‌های اشخاص و حکومت‌های ظالم، ستایش آزادی و آزادی‌خواهی، سازش‌ناپذیری در برابر ظلم، دعوت به مبارزه و پایداری در برابر بیدادگران و جهاد، شهادت و اندیشه‌های انقلابی تشییع در گستره ادب فارسی و ترکی پرداخته است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که دو شاعر عاشورایی در بسیاری از مسائل حماسی از قبیل وصف جزئیات نبرد، مردانگی‌های امام حسین (ع) و یاران ایشان و ناجوانمردی‌های سپاه دشمن، ذکر خرق‌عادت و غیره دیدگاه مشترکی داشتند؛ الهامی از شاهنامه بیشتر از یحیوی استفاده کرده‌است و با انتخاب وزن و سبک شاهنامه، بر میزان تأثیر اشعار حماسی خود افزوده‌است؛ یحیوی نیز با انتخاب «مادر» به عنوان دعاکننده برای قهرمان خود جهت پیروزی بر دشمن، بر روح غنایی اشعار حماسی خود افزوده است.

کلمات کلیدی: ادبیات تطبیقی، شعر عاشورایی، حماسه‌های مذهبی، الهامی، یحیوی.

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران Email: ghziyai@gmail.com

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران Email: kh.asadollahi1@gmail.com

۳. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران Email: ghziyai@yahoo.com



۱. مقدمه

حماسه، گونه‌ای از اشعار توصیفی است که در آن اعمال پهلوانی، جوانمردی، افتخارات و بزرگ‌منشی قومی و فردی جریان دارد. در این‌گونه اشعار شاعر حماسه‌سرا، عواطف و اندیشه‌های خود را وارد جریان سیال نظم نمی‌کند و به شکلی که مورد پسند خود و دیگران باشد در نمی‌آورد و به همین صورت در سرنوشت و گذشته و شرح قهرمانی‌ها و دلاوری‌های پهلوانان و آنانی که توصیف می‌کند هرگز دخالتی نمی‌ورزد. شاعر، قهرمانان را چنان که هستند وصف می‌کند و بالاتر از آن هیچ داوری در آن دیده نمی‌شود؛ چنان که در شاهنامه و دیگر منظومه‌های حماسی می‌بینیم.

«حماسه‌ها به لحاظ اهداف و آرمان‌هایی که دارند گاهی مقدّس هستند و گاهی نامقدّس. حماسه مقدّس آن است که به عدالت، حقیقت، انسانیّت و کمال جامعه بشری می‌اندیشد و محدود به خواسته‌ها و خواهش‌های نفسانی شخص حماسه‌ساز یا گروه و جمع خاص وابسته به او نمی‌شود. آرمان حماسه نامقدّس، کشورگشایی، دنیاطلبی، رسیدن به حطام پست مادی، به دست آوردن قدرت ظاهری و خلاصه، اشباع روحیه درنده‌خویی و ارضای خوی جاه‌طلبی شخص حماسه‌ساز است، گرچه منفعتی برای دیگران هم دارد ولی در اندیشه اصلاح نسل بشر و جامعه انسانی نیست.» (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۸۸)

حماسه، بخشی از هویت و فرهنگ ایرانی را شامل می‌شود که در شاهنامه و دیگر آثار، تجلّی یافته است؛ همچنین شعر و ادب فارسی و ترکی نیز بیش از هر زمینه دیگری تجلّی‌گاه شکوه حماسه عاشوراست. شایان توجه اینکه در پژوهش‌های صورت گرفته در ادبیات عاشورایی عمدتاً توجه محققان در حوزه مورد بحث شاعران فارسی‌زبان است و اندک تحقیقاتی هم در این زمینه در ادبیات عاشورایی ترکی صورت گرفته است و تا به حال هیچ‌گونه پژوهشی در زمینه تطبیق این نوع ادبیات در دو حوزه زبانی متفاوت فارسی و ترکی انجام نشده است.

«با توجه به اینکه در کشور ایران، اقوام متعدّد و مختلف با گویش‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت در کنار هم زندگی می‌کنند و بدین خاطر باید به روابط بین اقوام ارزش قائل شد و به شناخت اقوام از طریق تحقیق و پژوهش در حوزه تاریخ و ادبیات اقدام کرد. یکی از راه‌های این ارتباط، شناخت، بررسی و مقایسه بین نویسندگان و شاعران اقوام با زبان مختلف است؛ زیرا به وسیله ادبیات به ویژه ادبیات آیینی می‌توان فرهنگ اندیشه‌ها و باورهای دینی و عقیدتی یک قوم را شناخت.» (سالمیان و کهریزی، ۱۳۹۱: ۹۰)

میرزا احمد کرمانشاهی ملقب به فردوسی حسینی و متخلّص به «الهامی»، اصالتاً بهبهانی است، زادگاه وی تویسرکان و سکونت وی در کرمانشاه بوده است. او قبل از ملاقات با استادش، حسین قلی خان سلطانی کلهر، «ملول» تخلّص می‌کرد ولی سلطانی تخلّص «الهامی» را برایش برگزید. وی از شعرای آیینی پارسی‌زبان است که دارای مثنوی حماسی عاشورا به سبک شاهنامه فردوسی در بحر

متقارب است و آن را در چهار خیابان تدوین کرده و به همین دلیل به فردوسی حسینی ملقب شده است. از آثار دیگر وی می‌توان به مثنوی اندرزنامه، مثنوی باغ ارم، مثنوی بستان ماتم، مثنوی حسن منظر، حسینیّه، دیوان دفتر عشق، دیوان قصاید و غزلیات، فتح‌نامه حسام الملک، قصائد الهامیه فی مدائح الحسامیه، حدیث کساء و نصایح امیر نظام اشاره کرد.

عبّاسقلی یحوی در ۲۷ تیر ۱۲۸۰ در محله تازه شهر اردبیل به دنیا آمد. او از شاعران مرثیه‌سرای ترک‌زبان ایرانی اهل اردبیل است. اغلب سروده‌های وی به زبان ترکی بوده و در سروده‌های خود از قالب شعری حماسی استفاده نموده است. تخلص او ابتدا «(احقر)» بود که بعداً به نام خانودگی خود یعنی «(یحوی)» تغییر داده است. یحوی ۶۵ سال از عمر ۷۸ ساله خود را صرف سرودن اشعار مرثیه برای اهل بیت (ع) کرد و حاصل آن هشت جلد کتاب شعر شامل مدح، نوحه و مرثیه درباره امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) به زبان‌های ترکی و فارسی است: بساط کربلا، اسرار عاشورا، پرچم عزاء، آخرین آثار یحوی، یادگار یحوی، بهارستان یحوی، نگارستان یحوی، غزلیات و طنز از جمله آثار وی است. یحوی، روح حماسی فردوسی و تصویرگری نظامی را در شعر عاشورایی به منصه ظهور رسانید و بزم و رزم را به هم آمیخت.

مهم‌ترین دلیل برای انتخاب این دو شاعر در این پژوهش این است که هر دو شاعر از حماسه‌سرایان بزرگ در عرصه شعر عاشورایی هستند و اکثریت اشعارشان در این حوزه است.

«شعر عاشورا» در میان شعر شیعی و ادبیات مکتبی جایگاهی برجسته و ممتاز دارد. ورود حماسه کربلا به حیطه شعر و ادب، یکی از عوامل ماندگاری و پایایی آن نهضت است؛ چرا که قالب تأثیرگذار و نافذ شعر و مرثیه، میان دل‌ها و عاطفه‌ها از یک سو، حادثه عاشورا و شخصیت‌های کربلا از سوی دیگر، پیوند زده و احساس‌های شفیقتگان را به آن ماجرای خونین و حماسی، وصل کرده است.» (محدثی، ۱۳۸۴: ۲۱)

«از طرفی شاید به جرئت بتوان گفت که کمتر رخدادی در تاریخ اسلام، این همه مورد بحث قرار گرفته است و اهل اندیشه و نظر و قلم درباره آن، قلم‌فرسایی کرده‌اند.» (بیات، ۱۳۸۱: ۱۶) مع‌الوصف چنین تحقیقاتی، به شناخت یکی از فاخرترین گونه ادبی ایران زمین؛ یعنی ادبیات عاشورایی و منابع با ارزش و معتبرش و نیز خصایص سبکی شاعران مورد نظر کمک قابل توجهی خواهد کرد.

۱-۱. بیان مسئله

واقعۀ عاشورا در بین مسلمانان و از جمله اهل تشیع اهمیت بسزایی دارد؛ از این رو منشأ هنرنمایی‌های شاعران بسیاری شده است که ضمن ابراز تأسف بر شهادت و مظلومیت‌های امام حسین و یارانش، دلآوری‌ها و مردانگی‌های آنان را به عنوان مضامین مشترک اشعار خود، به تصویر کشیده و به تبیین و توضیح ابعاد مهم واقعۀ عاشورا پرداخته‌اند. شاعران با آوردن تصویرهایی از نحوه مبارزه امام حسین و

یارانش و نیز هجوم گروهی دشمنان برای کشتن آن‌ها و نیز صدای اسبان و برق شمشیرهای هر دو لشکر همراه با تشبیه و استعاره‌ها و صفت‌های ثابت به «توصیف» حماسی واقعه عاشورا پرداخته‌اند. حضرت «عباس» به عنوان علمدار کربلا از جمله قهرمانانی است که به فرمان امام حسین (ع) به سوی رود فرات اعزام می‌شود تا برای تشنگان کربلا، آب بیاورد؛ این مأموریت با رشادت‌ها و دلآوری‌هایی از سوی شاعران به گونه‌ای روایت می‌شود که هم قدرت بدنی قهرمان را در بر می‌گیرد و هم نیروی معنوی را. داشتن «جنبه داستانی» با وجود اجزای فرعی که از خصوصیات عمده شعر حماسی است (نک. رستگار فسایی، ۱۳۷۳: ۱۱۲)، از جمله مؤلفه‌های اشعار عاشورایی نیز هست که شاعران در آن، مجموعه‌ای از حوادث داستانی داخل کرده‌اند؛ آوردن خبر شهادت امام حسین و اکبر و قاسم و اصغر از این قبیل است؛ به طوری که کبوتران حرم با بازماندگان اهل حرم ابراز همدردی و اظهار غم و اندوه کرده‌اند.

گاهی نیز شاعران حماسه‌های دینی، با دخالت دادن «خوارق عادت» و توسل به «نیروهای غیبی» حوادث و نبردهای قهرمانان را به نیرو و قوای غیبی گره زده‌اند تا بر جنبه حماسی شعر خود بیفزایند و موجب غلبه قهرمان بر ضد قهرمان شوند (نک. همان: ۵۷)؛ مانند احاطه هاله‌ای از نور دور سر بریده شده امام حسین و یا نظیر توسل به «دعا» به عنوان نیروی غیبی و خارق عادت برای غلبه علی اکبر بر بکر. «رجزخوانی» نیز از جمله شاخصی است که مناسب با ویژگی‌های حماسه است و در آن، قهرمانان حماسه نظیر امام حسین، با معرفی اصل و نسب و خاندان خود و نیز با ذکر خصوصیات دینی و اخلاقی خود، دشمن را خوار و ذلیل کرده‌اند. «اغراق و مبالغه» نیز ارزش حماسی شعر را بالا می‌برند و شاعران عاشورایی نیز با وقوف به این امر، توانسته‌اند از این آرایه‌ها همراه با روند طبیعی داستان استفاده کنند.

با بررسی و کاوش در اشعار عاشورایی الهامی و یحیوی می‌توان به ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حماسی اشعار مذهبی آن‌ها و نیز به مشابهت‌ها و وجوه تفاوت دیدگاه آن دو شاعر که حاصل آگاهی از ابعاد گوناگون واقعه عاشورا و نیز اعتقادات دینی و احساسات مریدانه آن دو شاعر نسبت به امام حسین (ع) است، دست یافت.

۲-۱. شعر حماسی - عاشورایی و دوره شکل‌گیری و تحوّل

«بررسی تصاویر هنری در شعر شاعران از زمان‌های قدیم تا به حال با روش‌های متفاوتی شکل گرفته است. در ادبیات قدیم صور خیال، عناصر تصویرساز شعر بوده‌اند. در نقد معاصر به جز تصاویر شعری گذشته بررسی عناصری مانند گفت‌وگو، حرکت و رنگ نیز وارد حوزه نقد تصویر شده است. از طرفی شعر عاشورایی به عنوان بخشی از ادبیات متعهد ملت‌های مسلمان، بخصوص شیعه در طی چند قرن تلاش کرده تا با بیانی تأثیرگذار به ترسیم حوادث و آرمان‌های این واقعه عظیم بپردازد.» (فرید

شاعران شیعه تحت تأثیر فلسفه قیام عاشورا و رویکرد شعارهای امام و اصحابش، در دوره‌های بعد به انعکاس شاعرانه این رخداد مکتبی و ابعاد گوناگون آن در آفریده‌های شعری خود پرداختند و بدین‌گونه، دفاع از حریم ولایت و مقدّسات اسلامی، که به نحو کامل در بیان امام حسین (ع) تجلّی یافته بود به شعر شاعران شیعه، مانند الهامی کرمانشاهی و یحیوی اردبیلی و غیره راه یافت.

«در دوران حکومت صفویّه، تشیّع مذهب رسمی ایران قرار گرفت و نظم و نثر مذهبی فارسی و ترکی ترقی بسیار کرد. چون فرمانروایان این سلسله که نسب خود را به امام کاظم (ع) می‌رساندند، به مدح و ستایش خود توجهی نداشته و انعام و صلّه به شاعران می‌دادند که بزرگان دین و امامان و ائمه اطهار را ستایش نمایند؛ بنابراین شعرا به جای مدح شاهان صفوی به نعت انبیا و اولیا پرداختند و مدح و مرثیه آل رسول (ص) را موضوع قراردادند و مورد تشویق و ترغیب فرمانروایان صفوی قرار گرفتند.» (رنجبر، ۱۳۹۶: ۴۶)

حادثه عاشورا دارای ابعاد ارزشی و قرائت‌های گوناگونی است. در روزگار قاجار با نگاه بازگشتی به ادبیات و رونق گرفتن قرائت حماسی و عرفانی از عاشورا، قالب قصیده و مثنوی در کنار غزل و سایر قالب‌ها رونق می‌گیرد و با احیای رسم ملک الشعرا، برخی از شاعران به شعر حماسی، تاریخی و مذهبی روی می‌آورند. از بعد حماسی، با احیای قالب‌های مثنوی و قصیده و سایر قالب‌ها و مخمّس در اشعار ترکی و توجه به لحن حماسی و رجزگونه باعث شد شعر عاشورا از ضجّه و ناله و ملال جدا شود و لحنی فاخر و حماسی به خود گیرد.

۳-۱. هدف پژوهش

هدف اصلی این تحقیق، تطبیق و مقایسه اشعار عاشورایی الهامی کرمانشاهی و عباسقلی یحیوی از دیدگاه حماسی است که طی آن، شباهت‌ها و تفاوت‌ها و نگاه‌های هنری و خاص دو شاعر مشخص می‌شود.

۴-۱. پیشینه پژوهش

در مورد موضوع پژوهش اخیر، اثر مستقّلی در داخل ایران نوشته نشده است؛ اما کتب، مقالات و رساله‌های بسیاری در مورد ادبیات آیینی و اشعار عاشورایی فارسی به زیور طبع آراسته شده است و تحقیقات بسیار گسترده‌ای در این حوزه اتفاق افتاده است. علی‌رغم دیرینگی و داشتن آثار فاخر و بسیار ارزنده در دوره‌های کلاسیک و معاصر ادبیات ترکی، متأسفانه بنا به دلایل سیاسی و غیره تحقیقات بسیار اندکی در حوزه ادبیات عاشورایی ترکی صورت گرفته است و پیشینه پژوهش در ادبیات عاشورایی آیینی و اشعار عاشورایی ترکی نوپا است. در ذیل به برخی از این آثار اشاره می‌گردد:

هوشنگ محمدی افشار و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «بازتاب حماسه ملی در شاهنامه الهامی کرمانشاهی»، کیفیت بازتاب حماسه ملی ایران در شاهنامه، بررسی و میزان تأثیرپذیری این منظومه از دیدگاه زبانی، بیانی، ادبی و فکری و وجوه شباهت و میزان تقلید و ابتکار گوینده آن را به شیوه کتابخانه‌ای و براساس فنّ تحلیل و توصیف محتوا ارائه کرده‌اند. هدف از این جستار، معرفی یکی از منظومه‌های حماسی مذهبی است که از جنبه لحن و بیان، بیشترین تأثیر را از شاهنامه پذیرفته‌است. حاصل دستاوردهای پژوهش، بیان کیفیت بازتاب عناصر حماسی شاهنامه از جمله: اغراق و مبالغه، خرق عادت، آینده‌بینی و پیشگویی، رجز، انتقام، بزم و مفاخره قهرمانان در میدان نبرد است که شاهنامه الهامی یکی از موفق‌ترین منظومه‌های مذهبی در بیان این ویژگی‌هاست. نویسندگان مقاله در واقع اثبات کرده‌اند که از عوامل رونق شعر مذهبی در این عصر، اعتقادات مذهبی پادشاهان قاجار و نهضت بازگشت ادبی است. در ادامه مقاله به پاره‌ای از تشابهات و تناسبات از قبیل براعت استهلال، طلوع و غروب خورشید، پند و اندرز در خلال داستان‌ها، ابیاتی شبیه شاهنامه و نفرین در شاهنامه با شاهنامه اشاره می‌گردد.

کاظم نظری بقا (۱۳۸۸) در جستاری تحت عنوان «نگاهی به اشعار حماسی عباسقلی یحیوی اردبیلی» به بررسی سبکی و عناصر سازنده مرثیه‌های حماسی یحیوی اردبیلی و نیز مختصری در باب حماسه و اسطوره، معنا، سبک و انواع آن پرداخته است. در ادامه گریزی مختصر به نقش بینان‌گذاران سلسله صفویه برای سرایش حماسه‌های دینی می‌زند و استدلال می‌کند که در دوره قاجاریه ادبیات نوحه نظام‌مند می‌شود. در آذربایجان نیز به زبان ترکی آذری، این نحله شعری متناسب با وقایع حماسی عاشورا از یک سو و سوز و گداز شاعرانه برگرفته از حوادث جانگداز آن از سوی دیگر فرم و ساختار خود را می‌یابد و کثیری از سراینندگان زبردست ترک‌زبان، همّت و تلاش خود را مصروف آفرینش شاهکارهای کم‌نظیر و بی‌نظیر از وقایع عاشورا می‌کنند. نویسنده مقاله یادآور می‌شود منظومه‌های حماسی، منظومه‌های بلند با تعداد ابیات طولانی هستند؛ ولی در گونه نوحه این چنین نیست و تعداد ابیاتشان کوتاه است؛ اما به جهت داشتن مؤلفه‌های حماسی، می‌توان در قالب یک منظومه حماسی به حساب آورد. او معتقد است سبک حماسی لزوماً در منظومه‌های حماسی به کار نمی‌رود؛ بلکه به عنوان مثال قصاید خاقانی را نیز به جهت به کارگیری ویژگی‌های حماسی، می‌توان در ردیف اشعار حماسی قرار داد. به نظر نویسنده، نشان دادن تصاویر دقیق صحنه‌های جنگ، رجزخوانی‌های قهرمان و ضد قهرمان، عمل و عکس‌العمل مبارزان در صحنه‌های نبرد با جزئیاتش از ویژگی‌های حماسی در اشعار تاج الشعرا یحیوی است.

۲. بحث اصلی

اگر چه در پهنه‌ای که حکیم ابوالقاسم فردوسی به میدان آمده‌است، پهلوانان صاحب‌نام در عرصه سخن همه در برابر او سپر انداخته و تاکنون که ده قرن از روزگار او می‌گذرد، همچنان یگانه‌تاز بلامنازع در عرصه حماسه‌سرایی است و در اوج قرار دارد و شاعری را توان برابری با او نیست، اما الهامی ملقب به «فردوسی حسینی» است و در آثار معاصران او این لقب آورده شده است. وی با سرودن این منظومه، بی‌اغماض یکی از مقلدان موفق حکیم توس در زمینه سرودن منظومه‌های حماسی مذهبی به شمار می‌آید. او این تناسب بین شیعه ایرانی عاشق حسین بن علی (ع) را با ملیت ایرانی به زیبایی برقرار کرده‌است. ادیب‌الممالک فراهانی در پایین عکس الهامی سروده‌است:

«این عکس که در صفحه نیکونامی ست معروف خرد چو عارف بسطامی ست
آن کو که به علم و معرفت چون جامی ست فردوسی شاه کربلا الهامی ست»

(نک. محمدی افشار و همکاران، ۱۳۹۷: ۶)

۲-۱. تأثیر پذیری الهامی و یحیوی از شاهنامه

الهامی کرمانشاهی به طریق دیگری راه عرض ادب به ساحت مقدس اهل بیت (ع) و رضای پروردگار متعال را پیموده‌است. او در منظومه «چهار خیابان باغ فردوس» همان «شاهنامه» راوی وقایع از حرکت تا شهادت امام و یاران او، اسارت خاندان و قافله سالاری حضرت زینب کبری (س) تا برگشت به مدینه و قیام مختار به صورت حماسی و در بحر متقارب و وزن شاهنامه فردوسی است.

منظومه‌های حماسی معمولاً به جهت داستان‌وارگی، منظومه‌های بلندی را شامل می‌شوند که گسترش می‌یابند و تعداد ابیات آن‌ها گاه بسیار طولانی است، همچون شاهنامه؛ اما ما در گونه نوحه معمولاً با اشعار طویل روبه‌رو نیستیم؛ لیکن به نظر نگارنده می‌توان هر کدام از شعرهای کوتاه یک مجموعه را در قالب یک منظومه حماسی به جهت دارا بودن مختصات حماسی در نظر گرفت؛ چرا که معمولاً عناصر سازنده حماسه در این گونه اشعار موجود است. عباسقلی یحیوی یکی از شاعران گونه ادبی «حماسه» در تاریخ نوحه‌پردازی آذربایجان است.

شعر در فضایل حضرت سیدالشهدا (ع)، از کتاب «اسرار عاشورا» بر وزن فعولن فعولن فعل (بحر متقارب) ساخته شده است.

حبيب رسالت حسين دور حسين سراج امامت حسين دور حسين
دليل سعادت حسين دور حسين صراط هدايت حسين دور حسين

(یحیوی، ۱۳۸۶: ۴۳)

habib resālāt husein dur husein
dalile saādat husein dur husein

seraj imāmat husein dur husein
serāte hidāyat husein dur hussain

شاعر در این ابیات، امام حسین (ع) را دوست پیامبر، چراغ راه امامت، عامل سعادت و طریقی برای هدایت بشر دانسته است. این وزن همچنانکه گفته شد، وزن اصلی بسیاری از حماسه‌های مشهور و ملی است.

یا رجز مخصوص روز عاشورا با مطلع:

صحرای کربلا ده طوفاندی یا محمد گوندر کفن حسینه عریاندی یا محمد

(یحیوی، ۱۳۸۶: ۳۱۹)

sahrāye karbalāda tufāndi yā mohammad gondar kafan husaina oryāndi ya mohammad

برگردان: یا محمد در صحرای کربلا طوفانی به پا شده است. برای حسین کفنی بفرست؛ چرا که عریان است.

این شعر، بسیار مشهور است و از یک وزن سریع و تند و کوبنده برخوردار است. معمولاً حماسه‌ها دراماتیک و نمایشی هستند. در این نمایش‌ها تصویر دقیق صحنه جنگ نموده می‌شود. چهره جنگجویان و ابزار آلات جنگ نشان داده می‌شود. قهرمان و ضد قهرمان، هر کدام به فراخور و موقعیت و مکان خود حماسه‌سرایی یا رجزخوانی می‌کنند. حوادثی که پشت سرهم اتفاق می‌افتد داستان را پیش می‌برد و حتی کوچک‌ترین حرکات شخصیت‌ها به نمایش درمی‌آید. راوی، شیوه عمل و عکس‌العمل مبارزان در صحنه نبرد را با جزئیاتش بیان می‌کند. (نک. نباتی مقدم، ۱۳۸۸: ۷۶)

۲-۲. وصف

یحیوی اردبیلی و الهامی کرمانشاهی با آگاهی از شیوه پردازش حماسه‌ها، حماسه عاشورا را به نحو شایسته‌ای بازسازی و وصف می‌کنند و مخاطب خود را هنگام خوانش، در صحنه می‌بینند و صدای شیبه اسب‌ها و چک‌چک شمشیرها و پوشش جنگجویان را می‌شنوند و می‌بینند. چنانکه عباسقلی یحیوی در کتاب اسرار عاشورا در شعر «مبارزات حضرت حسین (ع) با لشکر اشقیاء» می‌گوید:

سواره تیغ برق افشان الینده فکری دعوادور مرصع دور لجامی، مرکبون زینی مطلادور
قیزیل جوشن وار اگنینه، جلال و شأنی اعلادور حسین بن علی روح نبی دلبند زهرادور
بو وصفیلن گلوب میدان جنگه حیف تنها دور
سلاح جنگینون هر قطعه سی میراث سلطانی رسول اکرمون درآعه و دستار شایانی
جناب حمزه نون گوهر نشان نه قبه قلخانی علی المرتضی نون ذوالفقار تیز و برآنی
طلا بفت و جواهرکوب و یک قبضه دو پهنادور

(یحیوی، ۱۳۸۶: ۱۱۰)

savāra tiye barq afšān alinda fekri davādūr / morassaè dur lejāmi markabun zini
mutallā dur
qizil jošan vār agninda jalāla o šaèni aèlā dur / husaine bne ali ruhe nabi delbande
zahrā dur

bu vasfilan galub meydāne janga heif tanhā dur
selāhe janginun har qatèasi mirase soltāni / rasule akramun dorrāè o dastāre šāyāni
jenābe hamzanun gohar nešān noh qobba qalxāni / ali al-mortazā nun zolfaqāre tizo
borrāni

talā baft o javaher kub o yek qabza do pahnādūr

برگردان: سواره‌ای که به دستش تیغ برق افشان گرفته، در سرش فکر دعا و جنگ دارد. افسار اسبش
مرصع و جنس زین مرکبش از طلاست. جوشن طلایی بر تن و جلال و شأن والایی دارد، حسین بن
علی، روح نبی و دل‌بند حضرت زهراست. با این توصیف به میدان جنگ آمده؛ اما حیف که تنهاست.
سلاح جنگی‌اش، میراث گران‌بها و ارزشمندی از اجداد خویش است؛ به طوری که عمامه و دستار
رسول اکرم (ص) در سر، سپر ضخیم و نه لایه و برجسته حمزه سیدالشهدا در یک دست و ذوالفقار تیز
و بژان حضرت علی (ع) که طلا باف و جواهرکوب است، این شمشیر یک قبضه و دو پهنا دارد.
در حقیقت این شعر یکی از تکان‌دهنده‌ترین و حماسی‌ترین اشعار یحییوی است که می‌توان
نمودهای واقعی حماسه را در آن مشاهده کرد. در ادامه همین شعر، زمانی که لشکریان یزید توانایی
جنگ تن به تن با امام (ع) را نداشتند، عمر سعد ناجوانمردانه دستور حمله گروهی صادر می‌کند؛
یحییوی، حرکت ناجوانمردانه سپاه دشمن را چنین وصف می‌کند:

گوروب سعد اوغلو تا پاماز قصدی بو ترتیبیلن انجام
وئروب فرمان یئریندن اوینادی نیروی خون آشام
قشون واحدلری جنگ و وجود واحده اعزام
او غیر عادلانه حمله که اونلار اندوب اقدام

نه قانون عرب، طرز عجم، نه رسم ترس‌دور

نتجه پؤهره وئورویای فصلی پشه شهد ناب اوسته
اونون مثلینده لشکر حمله گندی اول جناب اوسته
نتجه بیر خشمگین شهپاز اوچار فوج غراب اوسته
اونون مثلینده حضرت زینیدن قالخوب رکاب اوسته

ملخده ن موریده ن زنبوریده ن شیره نه پروادور

هوایی توز دوتوب یئلر اسور صحرا اولوب طوفان
زهرلر سسلنور اوخلار یاغور رد ائیلپور قلخان
پاریلدار تیغلر آت دیرناقیندان برق اولور تابان
حسینون صولتی فردا به فردین ائیله ییب لرزان

گوروندی هرباش اوسته بیر حسین بیر تیغ برادور (یحییوی، ۱۳۸۶: ۱۱۴ و ۱۱۵)

quroub saèd oylu tãpmãz qasdi bu tartibilan anjãm / verib farman yerindan oynãdi
niruye xun ašãm
qošun vãhidlari jange vujude vãheda eèzãm / o ƣeyre âdelãna hamlaki onlãr edub
eqdam

na qãnun arab tarze ajam na rasme tarsã dur

neja pohra verur yãy fasli pašša šahde nãb usta / onun meslinda laškar hamla gatdi ol
janãb usta

neja bir xašmgın šahbāz uĉār foje ȳorāb usta / onun meslinda hazrat zinidan qālxub rekāb usta

malaxdan muridan zanburidan šira na parvā dur
havāni toz dutub yellar asur sahrā olub tufān / zerehlar saslanur oxlār yāȳur rad
eylayur qalxān
pārildār tiȳlar āt dirnāqindān barq olur tābān / hussainun solati fardan be fardi elayib larzān

gurundi har bāš usta bir Hussain bir tiȳe borrhādur

برگردان: به دلیل عدم توانایی در رویارویی لشکریان عمر سعد به صورت انفرادی در برابر امام، در ادامه جنگ، فرمان حمله گروهی برای مقابله با امام (ع) صادر می‌شود، که این نوع جنگ در هیچ یک از قوانین عرب، عجم و مسیحیان وجود ندارد؛ همان طوری که پشه‌ها در فصل تابستان روی شهد ناب جمع می‌شوند، لشکریان عمر سعد همانند آن پشه‌ها به جهت تکثر، به امام حمله می‌کنند و حضرت نیز مثل یک شهباز شکاری از روی زین اسب بلند می‌شود؛ چرا که شیر (امام) پروایی از مور و ملخ (لشکریان عمرسعد) ندارد. در اثر جنگ یک‌تته امام با لشکریان انبوه، هوا پر از گرد و غبار شده و طوفانی بر پا شده‌است؛ صدای کشاکش و برق شمشیرها در میان گرد و غبار هویداست و صلابت و صولت امام، لرزه بر اندام لشکر اشقیبا انداخته‌است. بر سر هر یک از اشقیبا، امام حسین و یک تیغ بَران دیده شد.

الهامی کرمانشاهی جریان حمله دؤم پسر امام حسین (ع) بر آن گروه روباه‌کردار را این‌گونه توصیف می‌کند:

شهنشه به قلب سپه کرد روی	نیامد چو دیگر کسی رزمجوی
غو الحذر از سپه گشت، راست	دگر باره شور قیامت بخواست
عیان شد یکی دوزخی شعله‌بار	بدیشان ز هر جوهر ذوالفقار
زمین گشت از کشته‌ها، پشته‌ها	ز بس ریخت بر روی هم کشته‌ها
که کردی ره گوش را گم، نوا	چنان گرد بگرفت روی هوا
بلرزید چون شاخ از باد سرد	تن جنگیان زیر رخت نبرد

(الهامی، ۱۳۸۹: ۴۵)

در این ابیات شاعر به زیبایی از آرایه اغراق بهره برده‌است؛ به طوری که بر اثر حمله امام (ع) به قلب سپاه دشمن، تلی از کشته‌ها در میدان نبرد پدیدار می‌گردد، گرد و غبار و سر و صدای زیاد، مانع دیدن و شنیدن می‌گردد.

الهامی کرمانشاهی در خیابان دوم (شاهدنامه) در وصف حضرت علی اکبر، او را در ظاهر جوان نوگلی می‌انگارد که در عقل، عمل، قدرت و شجاعت نظیری ندارد و به جهت خلق، خوی و منطق، شبیه‌ترین فرد به نبی مکرم اسلام است:

هنوزش نرسته بنفشه ز گل به دانش قرین بود با عقل کل
به خلق و به خلق و به منطق، رسول به نیروی بازو چو شوی بتول
شه کربلا را بدان نامدار ز جد و پدر بهترین یادگار
چو کنه پرستش خدایی بود علی اکبر الله اکبر شود...
بهشتی برین آیتی از رخس روان کوثر از شگرین پاسخش

(الهامی، ۱۳۸۹: ۱۷۰)

عباسقلی یحوی نیز شجاعت و دلوری‌های حضرت علی اکبر (س) را چنین وصف و ستایش می‌کند:

ملکوت اهلی دی مهمان بشرستانه گلیب یا ملک شکل بشرده عربستانه گلیب
بشر کیف بشر اوغلی خرامانه گلیب بو لطافتده جوان رزمه دلیرانه گلیب
نیه لیلای قویوب آیا اونی میدانه گلیب
نه بشر دور نه ملک، نوریدی ظلمات اوسته خلقتاً روحیدی سیر ائله بیر اموات اوسته
صورتاً جسمیدی نه روحیدی مرآت اوسته حیدر ثانبه باخ کشف طلسمات اوسته
سحر اعدانی شکست ائتمگه مردانه گلیب
جنتون آب گلیندن گل و آیدی عجین جدی تک حسن و جاهتده متین و نمکین
مظهر صورت زیبای رسول الثقلین هاشمی خال و قمر چهره، درخشنده جبین
شب چراغ علوی محفل جانانه گلوب

(یحوی، ۱۳۹۵: ۳۴۰-۳۳۹)

malakut ahlidi mehman bašarestāna galib / ya malak šekle bašarda ʔarabestāna galib
bašaron kayfā bašar oyli xorāmāna galib / bu latāfatda javān razma dalirāna galib
niya leylā qoyub aya oni meydāna galib
na bašar dur na malak nuridi zulmāt usta / xelqatan ruhidi seyr eʔlayir amvāt usta
suratan jesmidi na ruhidi merāt usta / heydare sāniya bax kašfe telesmāt usta
sehre adāni šekast etmaga mardāna galib
jannatun āb o gelindan gel o ābidi ajin / jaddi tak hosno vejāhatda matino namakin
mazhare surate zibāye rasul alsaqalein / hašemi xalo qamar ʔehra deraxšanda jabin
šab ʔerāye alavi mahfele jānāna galib

برگردان: جوانی از عالم ملکوت به بشرستان (عالم خاکی) و یا از جنس فرشتگان که به شکل بشر به عربستان آمده است و پسر حضرت، علی، خرامان و با لطافت جوانی دلیرانه به رزم آمده است؛ چرا مادرش لیلیا اجازه داده او به میدان بیاید.

حضرت علی اکبر، بشر و یا ملک (فرشته) نیست؛ بلکه نوری در ظلمات است. خلقتش از جنس روح است که روی اموات سیر می‌کند. ظاهری جسمانی دارد، به حیدر ثانی نگاه کن که برای کشف طلسمات و شکست سحر اعدا، مردانه به میدان نبرد آمده است.

گل و آبش با آب و گل بهشت عجین شده، و در زیبایی صورت همانند جدش متین و نمکین است و نمونه کامل صورت زیبای رسول خدا را دارد، خال هاشمی بر صورت، ماه چهره و جبینی درخشان دارد و مانند شبچراغ علوی به محفل جانان آمده است.

بکر یکی از سرکردگان جنگ در لشکر اشقیاست که عمر سعد او را مأمور قتل حضرت علی اکبر کرده و اشاره به شجاعت و رشادت حضرت علی اکبر می‌کند و جلال و شکوه این جنگ سرنوشت‌ساز را به تصویر می‌کشد.

توصیف مبارزات بکر بن غانم با حضرت علی اکبر(س) و کشته شدن او به دست حضرت که به یاری نیروی تخیل و شعر خود، داستان را از خشکی دور می‌سازد، از داستان‌های شنیدنی الهامی کرمانشاهی است:

یکی بد گهر مرد بد رزمخواه	در آن روز در خیل کوفی سپاه
که هر شیر نر زو زبون آمدی	ز چنگال او بوی خون آمدی
ز خون دلیران می آشام بود...	که خود بکر بن غانمش نام بود

پس از اینکه حضرت علی اکبر(س) در میدان نبرد، از خود رشادت نشان داد، عمر سعد، بکر بن غانم را برای نبرد با حضرت فرا می‌خواند که وصف این نبرد چنین است:

که ای با هنرمندی انباز و جفت	عمر خویشتن سوی او رفت و گفت
که رزمش چون دیوان بزم آمده	جوانی به میدان رزم آمده
بسی سر بیفکند و بر خاک پست...	بسی پردلان را به شمشیر خست
ز هم‌رزمی اش دل تهی ساختند	ز بیمش سپه زهره را باختند
در این پهنه با وی زمانی بگرد	زخمیه در آسوی دشت نبرد
که جز تو نبینم کسی مرداوی	مگر آوری آب رفته به جوی

جواب بکر به عمر سعد ملعون:

بر آشفت و با دیو دژخیم گفت	چو بکر پلید از عمر این شنفت
ستایش کنی از یکی خردسال؟	که تا چند ای مرد حیلت سگال
چو دیوی که آید ز دوزخ برون	سوی پهنه شد با رخی قیرگون
یکی سوی من بازگردان عنان	چو آمد، خروشید و گفت ای جوان
بگرید به تو مادر مستمند	که آیدون بر اندازمت از سمند

(الهامی، ۱۳۸۹: ۱۷۰)

در اینجا به انتخاب بکر برای کشتن حضرت علی اکبر از سوی عمر سعد اشاره کرده است. عمر از دلاوری و رشادت حضرت علی اکبر به بکر سخن می‌گوید و بکر عصبانی شده و به سوی رزم‌گاه می‌رود.

در مقابل، عباسقلی یحییوی با درآمیختن اصل داستان با اوصاف زیبا و تازه در مورد نبرد حضرت علی اکبر (ع) با بکر بن غانم می‌گوید:

گوردی سعد اوغلی اولوب طالع منحوسی زبون بکر سرکرده یسر هنگیدی دارای فنون
اونی مامور قتال اتندی او بد طینت و دون گرچه ذیفنیدی بو رزمیده نقصی وار اونون
درس جنگ آلماقیچون طفل دبستانه گلوب

(یحییوی، ۱۳۹۵: ۳۴۰-۳۳۹)

gordi saəd oγli olub tāleē manhusi zabun / bakr sarkardeye bir hangidi dārāye fonun
oni maēmure qetāl etdi o bad tinat o dun / garče zifannidi bu razmida naqsi vār onun
darse jang ālmaqičun tefl dabestāna galub

برگردان: وقتی عمر سعد می‌بیند، طالع منحوشش زبون و خوار شده، دست به چاره‌گری می‌زند و بکر بن غانم را که از سرکردگان جنگ‌بلد لشکرش است، برای مبارزه با علی اکبر فرامی‌خواند. هر چند بکر به فنون نظامی و جنگ آگاهی دارد؛ در نبرد و مبارزه دارای نقص است؛ چرا که برای فراگیری درس جنگ همانند طفلی است که به دبستان آمده است.

۲-۳. زمینه داستانی دو اثر

یکی از ویژگی‌های حماسه، داستانی‌بودن آن است؛ به عبارت دیگر «مهم‌ترین خواست آن (حماسه) نقل داستان است» (خالقی‌مطلق، ۱۳۸۶: ۲۳)؛ شاعران مورد تحقیق در بیشتر موارد، تلاش کرده‌اند با واداشتن شخصیت‌ها به اعمال و گفتار، به شیوه غیرمستقیم برخی کارکردها را برای اهمیتشان، تبلیغ کنند (نک. همان: ۹).

الهامی در داستان بردن مرغ خون‌آلود، خیر قتل امام (ع) را برای فاطمه دخترش در مدینه و عزاداری آن معصومه (س) می‌گوید:

چو بشنید آوای او دخت شاه که بد فاطمه نام آن بی‌پناه
تن نازکش زار و رنجور بود غمین بود کز باب خود دور بود
از آن بانگ ماتم ز جا شد دلش که از بخت خود بدگمان بد دلش
به گفتا بدو وای بر تو غراب دل من ز بانگ تو آمد به تاب
بگو تا ز مرگ که داری خبر؟ ز خون که آلوده‌ای بال و پر؟
غرابش بگفتا: ز مرگ امام خبر دارم ای بانوی نیک‌نام...

(الهامی، ۱۳۸۹: ۴۸۶)

یحییوی در مورد همزیانی فاطمه صغری با مرغ خونین‌بال می‌گوید:

الامان جدّه جان ای مننه همزیان	تنگه سالدی جانیمی بوغرابون صداسی...
ای قوش ای باوفا ایتمه آه و نوا	ناخوشام انتظارم یوخ خبر اکبریمندن
بیرده جدیم حسین اول شه مشرقین	قاسم نوجواندان سود امر اصغریمدن...
خلقتیمدور ملک ظاهرأ بیر قوشام	گلمیشم کربلادن قاصدم داد و بیداد
وار سوزوم غم فزا فاطمه بی نوا	ئولدوروبلر حسینی قاتلی شمر جلاّد
دوغرانوب اکبری اوخلانوب اصغری	بیرده نورس جوانی قاسم تازه داماد

(یحییوی، ۱۳۷۸، ب: ۱۰۲-۱۰۰)

al amān jadda jān ey mana hamzabān / tanga saldi jānīmi bu yorābin sadāsi...
ey quş ey bā vafā etma āho navā / nāxoşām entezāram yox xabar akbarimdan
birda jaddim hosein ol şahe maşreqain / qaseme nojavāndan sud amar
asyarimdan...

xelqatımdur malak zāhīran bir quşam / galmişam karbalādan qasedam dād o bidād
var sozum yam fazā fātema bi navā / uldurublar Hosseini qāteḷi şemre jallād
doyranub akrari oxlanub aşyari / birda noras javāni qaseme tāza dāmād

برگردان: ای جدّه جان و ای کسی که برایم همزیان هستی، صدای این غراب، جانم را به تنگ آورده است. ای کبوتر باوفا آه و فغان نکن؛ چرا که من ناخوش احوال و منتظر هستم و خبری از اکبرم ندارم؛ همچنین خبری از جدّم حسین، آن پادشاه مشرقین و از قاسم نوجوان و اصغر شیرخواره خبری ندارم. خلقتم از جنس فرشته، ظاهری مانند کبوتر دارم و از کربلا آمده‌ام و قاصد هستم. ای فاطمه بی‌نوا خیر و حرف غمباری دارم؛ چرا که حسین را کشته‌اند و قاتلش شمر جلاّد است. اکبر و قاسم تازه‌داماد تنگه تکه و اصغر نیز تیرباران شده‌اند.

۴-۲. زمینه قهرمانی

بیشترین موضوع حماسه را اشخاص و حوادث تشکیل می‌دهند و وظیفه شاعر حماسی آن است که تصویرساز انسان‌هایی باشد که هم از نظر نیروی مادّی ممتازند و هم از نظر نیروی معنوی. حماسه مردم‌مركز است و انسان‌هایی را می‌ستاید که بر اجرای کارهای بزرگ و دفاع از حریم‌ها و وطن و غیره توانمند باشند (نک. خالقی‌مطلق، ۱۳۸۶: ۱۳ و ۱۸)؛ مانند عبّاس (س) که به فرمان امام (ع) به آوردن آب برای افراد حرم مأمور شد و توانست موگّلان فرات را پراکنده سازد و داخل آب شود؛ شرح ماجرا از زبان الهامی:

ستم‌دیگان را چو بدرود کرد پی‌آب رو جانب رود کرد

چو آمد به نزدیک رود روان	سپه دید آنجا کران تا کران
به هر سو که او روی کردی ز دور	رمیدندی از وی چو از شیر، گور
سپهد، هیون تاخت در رود زود	شگفتا که دریا ننگجد به رود
ننوشیده یک قطره از آب سرد	شکیبش سر چرخ را خیره کرد
چو از دست او آب را برفشاند	ملک از فلک بر وی احسنت خواند
پس آن مشک خوشیده را پر نمود	براند اسب و آمد به هامون ز رود

(الهامی، ۱۳۸۹: ۳۲۷-۳۳۱)

یحییوی در شجاعت علمدار حسین (ع) در روز عاشورا می گوید:

حسینون تاپدی قانیلن تجلاً	سراسر بارگاه دین اعلا
ستون وردی او اعظم بارگاهه	ایکی قوللارین عبّاس توانا...
عقابون دهنه سین قهراً بوراخدی	کانه تلون اوستن برق شاخدی
سپاهه غیضله بیر نوعی باخدی	او لشکرگاهه سیل وحشت آخدی

پوزولدی دسته لر سیندی صف آرا...

آچیلدی رزمگهدن بیر بیابان	آلوب نههری یگانه مرد میدان
سو مشکین فوری دولدوردی شتابان	اوزی سو ایچمه دی چیخدی لب عطشان

دئدی احسن او نفسه آب دریا....

(یحییوی، ۱۳۷۸ الف: ۱۱۶-۱۱۴-۱۰۶)

hoseinun tāpdi qānilan tajallā	sarāsar bārgahe dine aēla
sutun Verdi ou aēzame bārgāha	iki qollarin abbase tavānā...
oqābun dahana sin qahrān burāxdī	kaēnnah tallun uostan barq šaxdī
sepāha ʔeyzla bir noee bāxdī	ou laškargāha seyle vahšat āxdī

pozuldi dasta lar sindi saf āra...

āčildi razgahdan bir biyābān	ālub nahri yegana marde meydān
su mašgin fori doldurdi šetabān	ozi su ičma di čixdi lab atšān

dedi ahsan ou nafsa ābe daryā...

برگردان: تمام بارگاه دین پیامبر(ص) با خون حسین تجلاً پیدا کرد و عبّاس دلاور دو دست خویش را به عنوان ستون برای آن بارگاه اعظم (دین اسلام) هدیه داد.

عبّاس (ع) افسار عقاب (اسب خویش) را از روی قهر و غضب رها کرد و انگار از بلندی، برقی درخشید. از روی خشم به سپاه دشمن نگاه کرد؛ به طوری که سیلی از وحشت در لشکرگاه دشمن جاری شد و بدین طریق، دسته‌های لشکر دشمن از هم پاشید و صف‌هایشان شکست.

در اثر حمله حضرت عبّاس (ع) بیابانی در میان رزمگاه پدید آمد و نهر فرات را آن یگانه‌مرد میدان گرفت. مشک آبش را با تعجیل پر کرد و خودش آبی نوشید و با لب عطشان از نهر خارج شد. آب دریا به نفس آن حضرت احسنت گفت.

شاعر در توصیف قهرمانی‌های عباس، علاوه بر نیروی بدنی، تأیید الهی و ایمان قوی را هم به‌نحو چشمگیر و زیبا به تصویر کشیده است.

۲-۵. خرق عادت

خرق عادت یکی دیگر از ویژگی‌های حماسه محسوب می‌شود که در آن، حوادثی جریان می‌یابد که با منطق و تجربه علمی سازگاری ندارد. در این نوع حماسه رویدادهای غیرطبیعی و بیرون از نظام عادت دیده می‌شود که تنها از رهگذر عقائد دینی عصر خود توجیه‌پذیر هستند. در همه حماسه‌ها به‌ویژه آثار شاعران مورد بحث در این پژوهش، آفریده‌های غیرطبیعی در ضمن حوادثی که شاعر تصویر می‌کند، ظهور می‌یابد.

«به اعمال خارق‌العاده‌ای که به دست قهرمان حماسه انجام می‌گیرد یا در جریان داستان اتفاق می‌افتد، خوارق عادت گفته می‌شود. قهرمان حماسه با اعمال فوق‌العاده خود باعث برانگیختن حس شگفتی و اعجاب خواننده می‌گردد. کارهایی از قبیل کشتن هیولا، دیوان، شیر، اژدها، نبرد طولانی و یک‌تته با لشکری انبوه که در حالت عادی از انسان‌های معمولی ساخته نیست.» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۳۰)

فضای شاهدنامه الهامی، مذهبی و تاریخی است و خوارق عادت نیز در آن خودنمایی می‌کنند. زمانی که سر مطهر امام در تنور خولی قرار دارد، شباهنگام زن خولی، نوری از تنور و مطبخ مشاهده می‌کند که: «(ز حیرت بمالید بر دیده دست)»

ز خون، سرخ منقار و پرها سپید	به مطبخ بسی مرغ موینده دید
شتابان بدان سوی ره برگرفت	از آن نور مرغان شدند در شگفت
به ناگاه آمد ز گردون فرود	زحیرت همی گفت حق را درود
سیه پوش چون طره خویشتن	یکی چیز سبز هودج در آن چارزن

(الهامی، ۱۳۸۹: ۱۷۵)

اشاره به داستان خولی و سر مبارک امام حسین (ع) در مطبخ دارد که مرغان در آنجا به ناله و مویه مشغول بودند و نوری از سر حضرت ساطع بود.

بررسی تطبیقی اشعار عاشورایی الهامی... (ص ۸۷-۱۱۲)-----غلامرضا ضیایی نیری و همکاران ۱۰۳

یحییوی نیز در مورد نامیرایی امام و معجزاتی که سر مطهر ایشان در بالای نیزه از خود نشان داده، چنین می گوید:

امام نولسیدی باشی نیزه باشینده دانشمآزدی / امام نولسیدی قوشلار نعشی اوسته شهپر آچمازدی
امام نولسیدی استقباله دیرانی قاچمازدی / امام نولسیدی زیر خیزراندا قانی داشمازدی
امام نولسیدی مسلم ایلینمزدی نصارانی / امام نولسیدی قانلو گوزلرین طشته آچنامآزدی
کسوک باشی قولی باغلو عیالینه باخانمازدی / امام نولسیدی راه شامیده باشی دایانمازدی
(یحییوی، ۱۳۹۰: ۲۸)

imām olseydi bāši neyza bāšindā dānišmāzdi / imām olseydi qušlār naēši osta šahpar ačmāzdi

imām olseydi esteqbāla deyrāni qačmāzdi / imām olseydi zire xe yzarāndā qāni dāšmāzdi

imām olseydi müslüm eyliyanmazdi nasārāni / imām olseydi qānlu gozlarin tešda ačanmāzdi

kasik bāši qoli baɣlu ayālina bāxānmāzdi / imām olseydi rahe šāmida bāši dāyānmāzdi

برگردان: اگر امام حسین مرده بود، سر مبارکش در بالای نیزه به سخن نمی آمد و نیز پرندگان روی نعش مطهر امام بال و پر نمی گشودند و راهب مسیحی برای استقبال امام نمی دوید و در زیر خیزران خونش به جوش نمی آمد و مرد نصاری با دیدن امام مسلمان نمی شد و اینکه چشمان خونی اش را در درون طشت باز نمی کرد؛ در حالی که سرش از تن جدا و دستانش بسته بود نمی توانست به اهل و عیال خویش نگاه کند. اگر امام مرده بود در راه شام سرش نمی ایستاد.

و یا درباره قدرت طّی الارض چهارده معصوم (ع) می گوید:

فلزّ آلاتیله تشکیل وئریب بیر هیکل پردار / غداسی بنز و اکسیژن رطوبت آتشه همکار
بشر علمیه اون تن آهنی یئردن گویه قوزار / فضای شرق و غربه مختصر وقته اولور سیّار

بو طّی الارض مادّیلن گزر اطراف دنیانی

بو بیر مادّی عوالمدور بشرده وار بئله صنعت / ولیکن اهل معناده وار اول اندازه ده قدرت
گندر بیر آز زاماندا عرش اعلایه اندر رجعت / بو علمی چارده معصومه الله وئروب خلعت

بولاردور معنویتده جهان بیمای روحانی

(یحییوی، ۱۳۹۰: ۲۵)

felezz ālātıla taškil verib bir heykale pardār / ɣazāsi benz o oksicen rutubat ataşa hamkār

bašar elmila on ton āhani yerdan goya qozār / fazāye šarq o ʔarba moxtasar vaqta
olur sayyar

bu teyyol arze māddilan gazar atrāfe donyāni

bu bir māddi avālimdur bašarda vār bela sanēat / valeykan ahle manāda vār ol
andāzada qodrat

gedar bir āz zāmānda arše aēlāya edar rajèat / bu èelmi čārdah maèsuma āllāh verub
xalèat

bulārdur maēnaviyatda cahān peymāye rohāni

برگردان: با آلات فلژی، یک هیکل پرداز (هواپیما) تشکیل داده است؛ در حالی که غذای این هیکل پرداز، بنزین و اکسیژن است که با علم بشر، آهن ده تری از زمین به آسمان بلند می‌شود و در اندک زمان ممکن از شرق به غرب و بالعکس جابه‌جا می‌شود و با این قدرت طی الارض مادی اطراف دنیا را می‌پیماید.

این یک عامل مادی است که در ظاهر این حرفه و صنعت وجود دارد؛ اما در اهل معنا آن اندازه قدرت است که در اندک زمان ممکن به عرش برین می‌روند و مجدداً مراجعت می‌کنند و این علم را خداوند عالمیان به چهارده معصوم عطا کرده است و این چهارده معصوم در عالم معنویت جهان پیمای روحانی هستند.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد در اشعار شاعران مورد تحقیق، گاهی به پدیده‌های غیبی و خارق العاده برمی‌خوریم که در توان و نیروی معمولی قهرمانان تأثیر می‌گذارند و موجب پیروزی آنان بر دشمنان می‌شوند (نک. صفا، ۱۳۹۰: ۳۱)؛ به بیانی دیگر، پهلوانان با اعتقاد عمیق به خداوند و «دعا» به پشتیبانی و تأیید او امیدوارند؛ همین عدم دخالت مستقیم خداوند در کارها برخلاف خدایان دیگر حماسه‌ها، بر ارزش کار پهلوانان می‌افزاید (نک. خالقی‌مطلق، ۱۳۸۶: ۴۲). واکنش حضرت امام حسین (ع) درباره به میدان آمدن بکر برای جنگ با حضرت علی اکبر (س) در شاهنامه الهامی به این شکل ترسیم شده است: زمانی که حضرت مشاهده می‌کند فردی قوی و کارآزموده به جنگ با فرزند برومندش آمده، به اهل خیام دستور می‌دهد که در این کارزار سخت، حضرت علی اکبر (ع) را دعا کنند:

چو شه دیده بگماشت زی کارزار	بدید آن پر و یال گبر سوار
بترسید از وی به پور جوان	روان شد ز خرگاه، زی بانوان
یکی تیره‌دل مرد ناپاک خوی	به رزم جوان من آورد روی
من آیدون بخواهم زیزدان به درد	که گردد علی چیره بر هم‌نبرد

روان از مژه اشک خونین کنید همه بر دعای من آمین کنید

(الهامی، ۱۳۸۹: ۱۷۳)

در همین زمینه، یحییوی اردبیلی می‌گوید:

گوردی اوضاعی خطرناکدو شاه شهدا
گنت اوتور خیمه ده اسماعیلووی ائله دعا
دندی لیلایه که ای هاجر صحرای بلا
تیغ برانیله میداندا بدون پروا
اکبرون جنگینه بیر ظالم فثانه گلوب

(یحیوی، ۱۳۹۵: ۳۴۰)

gordi ozāèi xatarnāk du šāhe šohadā / dedi leylaya ke ey hājare sahrāye balā
get otur xeymada esmāèilovi eyla duā / tiye borrhānila meydanda bedune parvā
akbarun jangina bir zāleme fattāna galub

برگردان: وقتی که امام حسین (ع) اوضاع جنگ را خطرناک می‌بیند به همسر خویش می‌فرماید که لیلا، ای هاجر صحرای بلا، در خیمه نشسته و فرزند خویش را دعا کن؛ چرا که برای مصاف با اکبر، حریفی ظالم و خونریز به میدان نبرد آمده است.

آنچه در این مقال قابل تأمل است، افتراق در دعاست. در شعر الهامی، دعاکننده برای سلامتی و پیروزی حضرت علی اکبر، شخص پدر (حضرت امام حسین) است و در شعر یحییوی این کار با دستور امام به عهده مادر است. از منظر هر دو شاعر، برای پیروزی علی اکبر بر حریف قوی و خونریزش، علاوه بر جنبه بدنی علی اکبر، تأیید الهی و نیروی معنوی نیز مورد نیاز است که در قالب دعای پدر و مادر بیان شده است. یحییوی با چرخاندن زاویه دعا از پدر به جانب مادر، جنبه غنایی و احساسی شعر خود را تقویت کرده است؛ این موضوع در حماسه با عنوان «مهر مادر به پهلوان» و بالعکس مطرح شده است. (نک. خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۴۱)

و اما نتیجه جنگ تن به تن حضرت علی اکبر (س) با بکر از زبان الهامی کرمانشاهی:

فروزان چراغ شبستان دین	و ز آن سوی سرو گلستان دین
که مانا سرآمد تو را روزگار	خروشید بر دشمن نابکار
برآهیخت بر فرق او دست و تیغ	خروشید اهریمن از کین چو تیغ
بد اختر پیچید بر خود ز درد	پیچید و تیغ از کفش دور کرد
بزد بر کمر بند خصم پلید	سبک نوجوان تیغ خود برکشید
یکی نیمش افتاد بر روی دشت	بدان سان که یکباره دو نیمه گشت
همی رفت و از وی همی ریخت خون	دگر نیم بر پشت زین هیون

(الهامی، ۱۳۸۹: ۱۷۲)

شاعر از صحنه جنگ و نحوه پیروزی بر بکر ملعون سخن می‌گوید. حضرت علی اکبر جوان بر بکر و لشکریان انبوه وی غلبه کرد و وی را به دوزخ فرستاد.

پایان همین داستان از زبان یحییوی:

او هیاهوده او طوفاندا دوتوب توز فلکی جوشن بکری گوروب زیر بغلده شبکی
یادگار اسدالله آلیجی شیر تکی بیر قلیچ ووردی اونون قولتوقی آتدان چپکی
قولی اوستونده باشی قوش کیمی طیرانه گلوب

(یحییوی، ۱۳۹۵: ۳۴۲)

o hayāhuda o tufānda dutub toz falaki / jošane bakri gorub zire bağalda šabaki
yādegāre asadollāh ālici šir taki / bir qilij virdi onun qoltuqi ātdān čapaki
qoli ustunda bāši quš kimi tayrāna galub

برگردان: در آن هیاهو، گرد و غبار زیادی به هوا بلند می‌شود و در پی آن، هر دو مبارز از دیدگان محو می‌شوند و نواده خاندان نبوت و یادگار شیر خدا از زیر کتف جنگجوی نامی عمر سعد (بکر) ضربه‌ای وارد کرده؛ به طوری که سرش به همراه یک دست از بدن جدا شده و در آسمان مانند یک پرنده به پرواز درمی‌آیند.

۶-۲. اغراق و مبالغه

«اغراق در سایر انواع ادبی نیز وجود دارد؛ اما در حماسه یک ویژگی اصلی است و از ذاتیات آن محسوب می‌شود و نه به عنوان یک صنعت بدیعی. حماسه با اعمال محیرالعقول و خارق‌العاده همراه است و در آن سخن از بهادری‌ها و جنگ‌های غریبی است. بدیهی است که بیان چنین وقایعی، خود به خود با اغراق و غلو همراه خواهد بود.» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۲۰) «در حماسه اغراق شاعرانه جای همه انواع تصویر را می‌گیرد؛ زیرا تشبیه و استعاره حادثه را محدود و کوچک می‌نماید.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۴۴۷) شاعر کرمانشاهی اغراق و مبالغه را بیش از سایر صناعات ادبی به کار برده و با این کار، ارزش حماسی سروده خود را افزایش داده است. نکته قابل توجه این است که این اغراق‌ها ادعایی نیستند و مناسب با روند طبیعی زبان داستان پیش می‌روند و اغلب هنری هستند.

نگهبان و جاسوس بر شسه گماشت به عیوق منجوق کین برفراشت

(الهامی، ۱۳۸۹: ۱۴۹)

زرخ سودنش بر رکاب هیون رکاب آهنین بود، شد سیمگون

(همان: ۳۶۵)

بدان سان بگشتند بر گرد هم که گاو زمین را بشد پشت، خم

(همان: ۳۱۸)

بررسی تطبیقی اشعار عاشورایی الهامی... (ص ۸۷-۱۱۲)-----غلامرضا ضیایی نیری و همکاران ۱۰۷

به ناگه برآمد غو بوق و کوس بشد گرد تا گنبد آبنوس

(همان: ۴۲۸)

با توجه به اینکه اغراق و مبالغه از مختصات یک شعر حماسی محسوب می‌شود، یحییوی نیز به جهت داشتن سبک حماسی در اشعارش از این آرایه ادبی به زیبایی بهره برده است؛ البته بر اساس اعتقادات مذهبی و حقیقت‌نمایی از راه نزدیک کردن حوادث با عقلانیت.

نمونه‌هایی از اغراق در اشعار یحییوی اردبیلی:

فرصت ال وئرب ال آنانلارا دورت مین اوخ قویولدی چله کمانه

(یحییوی، ۱۳۹۵: ۱۰۲)

forsat al verip ox ātānlārā / dort min ox qoyuldi čella kamāna

برگردان: برای پرتاب کنندگان تیر فرصتی ایجادشده تا چهار هزار تیر در چله کمان قرار دهند.

ایا رستم یل یل تماشایه اوزون گل

نجه گور او اوزون ال حریفون بوغازیندا

وئریر تیغینه صیقل

(یحییوی، ۱۳۹۵: ۳۴۰)

aya rostame yal yal / tamāšāya ozun gal

neja gor o uzun al / harifun boyāzindā

verir tiyina seyqal

برگردان: ای رستم پهلوان، به تماشای چنین نبردی بیا؛ چرا که در این نبرد، حضرت ابوالفضل با دستان بلندش، شمشیر را در گلوی حریف صیقل می‌دهد.

ال گندوب نیزه لره رسم نبردیه ازل اون ایکی طعن آرادا نیزه اولوب ردّ و بدل

خنجر و شش پر و زوبین و کمند اولدی عمل بو معمای جدل اولمادی هنج و جهیله حل

نوبه شمشیره یتوب برقینه پروانه گلیب

(یحییوی، ۱۳۹۵: ۳۴۱)

al gedub neyzalara rasme nabardila azal / on iki taen ārādā neyza olub raddo badal

xanjaro šeš paro zubino kamand oldi amal / bu moëamāye jadal olmādi heč vajhila hal

noba šamšira yetub barqina parvāna galib

برگردان: دو مبارز ابتدا با نیزه با هم نبرد کردند و دوازده طعن (نوعی ابزار جنگی) نیز استفاده شد و خنجر و شش‌پر و زوبین و کمند نیز در این مبارزه به کار گرفته شد و این معمای جنگ علی‌رغم به کار بردن ابزارآلات جنگی متعدد حل نگردید و نوبت به شمشیر رسید که برق خیره‌کننده آن، پروانه را هم جذب خود ساخت.

۲-۷. رجزخوانی

به‌یقین، اولین نشانه‌های حماسه را در رجزهای عاشورایی می‌توان یافت. پرشورترین این رجزها که از زبان امام حسین (ع) و نزدیکان و یاران باوفایش شنیده شده، استقبال از شهادت بوده است. این‌گونه اشعار، شرح و ترجمه شعارها، پیام‌های حماسی شهدای کربلا و رجزهای آنان در هنگام رزم است. رجزهای عاشورایی به جنبه‌هایی از ولایت‌مداری، محبت به اهل بیت (ع)، وفاداری، شهادت‌طلبی، ایثار، اخلاص، ایمان و اعتقاد قوی، تمسک به راه امام حسین (ع)، شجاعت و دلیری و نیز فداکاری می‌پردازد. شهدای کربلا این رجزها را در هنگام رزم و جهاد بر لب جاری می‌کردند. رجزها به مقام و منزلت آنان و عقلانیت و معرفت بالایشان نسبت به مسائل دینی اشاره می‌کنند که مشتمل بر شعارها و پیام‌های حماسی و شورانگیز دشت نینوا است.

در رجزهای عاشورایی، معیار مفاخره، معرفی نام و نسب خود، ذکر عقاید مذهبی و صفات اخلاقی، ابراز قدرت جنگی خود و حریف طلبیدن، سرزنش حریف و پند و اندرزگویی است.

الهامی کرمانشاهی در مورد آمدن سیّد مظلومان به میدان عمر سعد و بیان نسب و حسب خود برای آن گروه ظلم می‌گوید:

چو آمد به نزدیک لشکر فراز	بزد بر زمین نیزه شست باز
بفرمود کای مردم زشت خوی	ز کین، با جهان آفرین جنگجوی
هم اکنون پی کشتن من که هست؟	پدرم آن شهنشاه یزدان‌پرست ...
گناهی مرا نیست اندر جهان	بجز آن که دارم نژاد مهان
من آن شهریار بلند افسرم	که دخت پیمبر بود مادرم
منم یک تن از پنج آل عبا	بود قهر و مهرم، سموم و صبا
بود عمّ من جعفر نامور	که دادش خدا از زمرّ دو پر...

(الهامی، ۱۳۸۹: ۳۲۱)

شاعر در این ابیات به زیبایی و در حد اعتدال از زبان مبارک امام حسین (ع) به افرادی که به آن حضرت پشت کردند و به تعبیری از خداوند روی برگرداندند و به دنبال شیطان رهسپار شدند به معرفی

اصل و نسب خود و به وصف پدر، مادر و جدش می‌پردازد و تنها گناه خود را که موجب این مصیبت می‌شود، تعلق خود به خاندان امامت و ولایت بیان می‌کند.

عبّاسقلی یحوی درباره‌ی همین موضوع و با آینده‌نگری و تحذیر دشمنان اهل بیت، می‌گوید: افرادی همانند شیوخ نهروان که ظاهری مقدّس و دیندار و باطنی شیطانی دارند، برای ریختن خون امام حسین در کربلا حاضر شده و از همدیگر سبقت می‌گیرند؛ امام در برابر این لشکر اشقیای ایستاده و خود را چنین معرفی می‌کند:

شیوخ نهروان قرآن حمایل آلتی برجسته سنین نیزه لربنظر زبان افعی مسته
سه شعبه تیر و بیکان جعبه دانلاردا نئچه بسته قیلجیلار سولانوب قول چیرمانوب دامن بئله بسته
امام تولدورمگه الله اکبر گورنه غوغادور
نقاب اعرفونی آتدی وجه الله جمالیندن اونا بینالر آلسون فایده شمع وصالیندن
یاغاردی درّ و اییض لعل و یاقوت اتصالیندن اولون آگه جماعت سوز حسینون شرح حالیندن
بابام احمد آتام حیدر آتام زهرای کبری دور...

(یحوی، ۱۳۸۶: ۱۱۳)

šuyuxe nahrāvān qurān hamāyel ānli barjasta / soneine neyzalar banzar zabāne afēiye masta

se šoba tir o peykān jabadanlārdā neča basta / qilijlar sulānub qol čirmanub dāman bela basta

emam oldurmaga allāho akbar gor na ʔoyadur

neqabe aërefuni ātdi vajhollāh jamālından / onā binālar ālsun fāyeda šame vesālından

yāyārdi dorro abyaz laëlo yāqut ettesālından / olun āgah jamāat suz hosseinun šarhe hālından

bābām ahmad ātām heydar ānām zahrāye kobrā dur

برگردان: شیوخ نهروان که حامل قرآن‌اند و پیشانی‌اشان در اثر عبادت زیاد پینه بسته و سنان نیزه هایشان شبیه افعی مست است و نیز چندین بسته تیر سه‌شعبه و بیکان در جعبه‌دان‌هایشان وجود دارد؛ در حالی که شمشیرهایشان را تیز کرده و آستین بالا زده و دامنشان را به کمر بسته‌اند. الله اکبر، برای کشتن امام چه غوغایی به پا شده‌است!

امام حسین (ع) برای شناخت بیشتر لشکریان عمر سعد، نقاب «اعرفونی» از روی صورت خویش کنار زد تا بدین طریق صاحبان بصیرت از شمع وصال حضرت فایده‌ها ببرند. حضرت در حین سخنرانی و معرفی اصل و نسب خویش، سخنان گهربار و با ارزش که مانند درّ اییض بود از زبان

جاری کردند و به جماعت حاضر فرمودند: از شرح حال حسین باخیر شوید که جدم احمد، پدرم حیدر کرار و مادرم زهرای کبری است.

همان‌گونه که از اشعار هر دو شاعر نمایان است، اعتدال، عقلانیت و آینده‌نگری و همچنین حقیقت‌نمایی در آن‌ها مراعات شده است و هر دو شاعر، کارهای بزرگ سیدالشهدا و دیگر شهیدان روز عاشورا را نتیجه حکمت بالغه الهی می‌دانند.

۳. نتیجه‌گیری

خصوصیات برجسته اشعار عاشورایی الهامی کرمانشاهی عبارتند از: انتخاب وزن حماسی شاهنامه (بحر متقارب)، توصیف قابل لمس و ذکر جزئیات نبرد بین سپاه امام حسین (ع) و سپاه یزید، افزودن چاشنی احساس و روح غنایی به حماسه، به‌کارگیری صور خیال و اغراق و مبالغه؛ همچنین ویژگی‌های مهم اشعار عاشورایی عباسقلی یحیوی از این قرارند: اوزان حماسی و رجزگونه و سریع و تند، تصویر دقیق صحنه‌های جنگ و نمودن چهره‌های جنگجویان و نشان‌دادن ابزارآلات جنگ (شعر نمایشی و دراماتیک)، شگردی نو در قالبی جدید (بحر طویل‌هایی که اوزان حماسی دارند)، گفت‌وگو‌های حماسی، حماسه‌سرایی در عین سوزناکی کلام، به‌کارگیری ردیف‌های مشکل برای افزایش بار حماسی، منظرپردازی و تابلوآفرینی‌های منحصر به فرد.

هر دو شاعر در زمینه رعایت عناصر و مختصات حماسی اشتراکاتی دارند که اجمالاً بدان‌ها اشاره می‌گردد: توصیف ظاهری و روحی قهرمانان، فضاسازی در سرآغاز داستان‌ها و نبردها، به‌کاربردن صور خیال حماسی، تعامل حکیمانه و پند و اندرز در میان داستان‌ها، نفرین‌ها و آفرین‌ها با صبغه دینی و مذهبی، در توصیف قهرمانان اهل بیت، علاوه بر نیروی بدنی، تأیید الهی و ایمان قوی هم به نحو بسیار چشمگیر و زیبا به تصویر کشیده شده است و اعمال خارق عادت بر دست ایشان را نتیجه قدرت روحی آنان می‌دانند. در بیان اغراق و مبالغه، پیشگویی‌ها و دیگر عناصر حماسی از جمله مفاخره‌ها، رجزخوانی‌ها، توسل به نیروی غیبی و غیره جانب اعتدال، عقلانیت و حقیقت‌نمایی را مراعات کرده‌اند و کارهای بزرگ سیدالشهدا و دیگر شهیدان روز عاشورا را نتیجه حکمت بالغه الهی می‌دانند. ذکر عقیده و نگاه عرفانی و تعلیمی در توصیف واقعه عاشورا، نمایان‌ساختن مردانگی و شهامت‌ها و شهادت‌طلبی‌های امام حسین و یاران آن حضرت و ناجوانمردی و شکست مادی و معنوی سپاه یزید از اشتراکات دیگر اشعار عاشورایی هر دو شاعر محسوب می‌شود.

از افتراقات برجسته در اشعار حماسی مذهبی این دو شاعر می‌توان تقلید الهامی از شاهنامه فردوسی با شدت بیشتر و الگوبرداری یحیوی اردبیلی به میزان کمتر از همان منبع را ذکر کرد؛ همچنین شاعران مورد تحقیق، در مورد دعاکننده برای پیروزی علی‌اکبر جوان (از قهرمانان کربلا) بر بکر (از

بررسی تطبیقی اشعار عاشورایی الهامی... (ص ۸۷-۱۱۲)-----غلامرضا ضیایی نیری و همکاران ۱۱۱

پهلوانان دشمن) دیدگاه متفاوتی ارائه کرده‌اند: الهامی پدر را دعاکننده قهرمان دانسته اما یحیی با انتخاب مادر به‌عنوان دعاکننده برای پسر در برابر هرگونه آسیب و گزند دشمن، بر روح غنایی اشعار خود افزوده است.

منابع

- ۱- الهامی، احمد. (۱۳۸۹). شاهنامه، تهران: منیر.
- ۲- بیات، علی. (۱۳۸۱). «قیام عاشورا: بایدها و پیامدها»، روش‌شناسی علوم انسانی، ۸(۴)، ۲۵-۴.
- ۳- جوادی آملی، آیت‌الله. (۱۳۹۶). حماسه و عرفان، قم: اسراء.
- ۴- خالقی‌مطلق، جلال. (۱۳۸۶). حماسه پدیده‌شناسی تطبیقی شعر پهلوانی، تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی - کانون فردوسی.
- ۵- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۳). حماسه رستم و سهراب، تهران: جامی.
- ۶- رنجبری حیدر باغی، احمد و سجادی، صالح. (۱۳۹۶). بیز بئله آغلاردیق، تهران: سوره مهر.
- ۷- سالمیان، غلامرضا و کهریزی، خلیل. (۱۳۹۱). «مقایسه برخی آیین‌های سوگواری مردم کرمانشاه با آیین‌های سوگواری در شاهنامه». ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۱۲(۱)، ۸۶-۹۸.
- ۸- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۵). صورخیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
- ۹- شمیسا، سیروس، (۱۳۹۳). نقد ادبی، تهران: میترا.
- ۱۰- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۹۰). حماسه‌سرایی در ایران، تهران: فردوس.
- ۱۱- فرید، زهرا و ملازاده، ریحانه. (۱۳۹۶). «بررسی تصویرهای هنری در شعر عاشورایی شریف رضی (مطالعه مورد پژوهانه: قصیده کربلا)»، مطالعات ادبی متون اسلامی، ۴(۸)، ۸۹-۶۱.
- ۱۲- محدثی، جوادی. (۱۳۸۴). شعر عاشورایی، تهران: فرهنگ کوثر.
- ۱۳- محمدی افشار، هوشنگ و همکاران. (۱۳۹۷). «بازتاب حماسه ملی در شاهنامه الهامی کرمانشاهی»، مطالعات ایرانی، ۱۷(۲)، ۲۳۱-۲۵۶.

۱۱۲ فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، دوره ۱۲، شماره ۴، پیاپی ۳۸، زمستان ۱۴۰۱

۱۴- نباتی‌مقدم، محمدباقر. (۱۳۸۸). مجموعه مقالات و خاطرات و اشعار همایش بزرگداشت

تاج الشعراء ادبیات مرثی کشور عباسقلی یحیوی، اردبیل: مهرغزال.

۱۵- یحیوی، عباسقلی. (۱۳۷۸ الف). آخرین آثار یحیوی، تهران: پیری.

۱۶- یحیوی، عباسقلی. (۱۳۷۸ ب). یادگار یحیوی، تهران: پیری.

۱۷- یحیوی، عباسقلی. (۱۳۸۶). اسرار عاشورا، تهران: پیری.

۱۸- یحیوی، عباسقلی. (۱۳۹۵). بساط کربلا، تهران: پیری.